

مکتوبخانه ویلیام گلدینگ  
c/o The British Council

۱۰۰، خیابان کورنوال، لندن، انگلستان  
۷۷۷۱، شماره پستی

۷۷۷۲، شماره پستی  
۱۰۰، خیابان کورنوال، لندن، انگلستان

۷۷۷۳، شماره پستی  
۱۰۰، خیابان کورنوال، لندن، انگلستان

۷۷۷۴، شماره پستی  
۱۰۰، خیابان کورنوال، لندن، انگلستان

۷۷۷۵، شماره پستی  
۱۰۰، خیابان کورنوال، لندن، انگلستان

ترجمه این ترجمه توسط ویلیام گلدینگ

ویلیام گلدینگ

# سالار مگس ها

ترجمه حمید رفیعی

شعبه کتابخانه

کتابخانه مرکزی

مکتوبخانه ویلیام گلدینگ

۱۰۰، خیابان کورنوال، لندن، انگلستان

۷۷۷۱، شماره پستی

۷۷۷۲، شماره پستی

۷۷۷۳، شماره پستی

۷۷۷۴، شماره پستی

۷۷۷۵، شماره پستی

شعبه کتابخانه

۱۰۰، خیابان کورنوال، لندن، انگلستان ۷۷۷۱، شماره پستی

۷۷۷۲، شماره پستی

۷۷۷۳، شماره پستی

۷۷۷۴، شماره پستی

۷۷۷۵، شماره پستی



انتشارات بهجت

۲۰۲	مقدمه	مقدمه
۷۷۷	مقدمه	مقدمه
۵۷۷	از روزگار درس و مفروضه سالار مگس ها را بسوزانید	از روزگار درس و مفروضه سالار مگس ها را بسوزانید
۲۶۲	نویسنده‌های ادبیات کلاسیک معاصر	نویسنده‌های ادبیات کلاسیک معاصر
۲۱۲	نویسنده‌های ادبیات که اسباب نصیب و بلیام گولدنیک	نویسنده‌های ادبیات که اسباب نصیب و بلیام گولدنیک
۵۱۲	نویسنده‌های ادبیات که اسباب نصیب و بلیام گولدنیک	نویسنده‌های ادبیات که اسباب نصیب و بلیام گولدنیک

## فهرست فصل‌ها

۹	مقدمه مترجم	مقدمه مترجم
۱۷	فصل اول	فصل اول
۶۵	فصل دوم	فصل دوم
۹۵	فصل سوم	فصل سوم
	فصل چهارم	فصل چهارم
	فصل پنجم	فصل پنجم
	فصل ششم	فصل ششم
	فصل هفتم	فصل هفتم
	فصل هشتم	فصل هشتم
	فصل نهم	فصل نهم
	فصل دهم	فصل دهم
	فصل یازدهم	فصل یازدهم
	فصل بیستم	فصل بیستم

1. Lord of the Flies
2. 115 Southern Classics
3. William Golding
4. Henry James
5. 149 Joseph Conrad
6. William Faulkner
7. Andre Malraux
8. Albert Camus
9. 183 Jim Green
10. Aldous Huxley
11. Walter M. Miller



مقدمه

از روزگار درس و مدرسه، سالار مگس‌ها<sup>۱</sup> را بعنوان یکی از نمونه‌های ادبیات کلاسیک معاصر<sup>۲</sup> می‌شناختم و فریبندهی جایزه نوبل ادبیات که امسال نصیب ویلیام گولدینگ<sup>۳</sup>، نویسنده این قصه شد تنها انگیزه برگردان این اثر به فارسی نبود.

آنچه گولدینگ در این کتاب - و شاید بتوان گفت در بیشتر قصه‌های خود - به طرح آن پرداخته است و پاره‌ای منتقدین آثار ادبی، آن را سوگنامه‌ای برای معصومیت آدمی انگاشته‌اند، در کارهای جیمز<sup>۴</sup> جوزف کنراد<sup>۵</sup>، ویلیام فالکنر<sup>۶</sup>، آندره مالرو<sup>۷</sup>، آلبر کامو<sup>۸</sup> و گراهام گرین<sup>۹</sup> نیز به قوت بیان شده است و دست کم، دو قصه را می‌توان نام برد که از نظر سوژه، فضا و استخوان‌بندی داستانی، شباهت انکارناپذیر با سالار مگس‌ها دارند؛ یکی Ape and Essences نوشته آلدوس هاکسلی<sup>۱۰</sup> و دیگری A Canticle for Leibowitz اثر میلر<sup>۱۱</sup> که اولی پیش از سالار مگس‌ها در ۱۹۴۸، و دومی پس از آن در ۱۹۵۹ نوشته شده است. از طرف دیگر، تمام منتقدین آثار گولدینگ در مورد اینکه سالار مگس‌ها،

1. Lord of the Flies
2. Modern Classics
3. William Golding
4. Henry James
5. Joseph Conrad
6. William Faulkner
7. Andre Malraux
8. Albert Camus
9. Graham Green
10. Aldous Huxley
11. Walter M. Miller

۲۰۹

فصل هفتم

سایه‌ها و درختان بلند

۲۳۷

فصل هشتم

هدیه‌ای برای تاریکی

۲۷۵

فصل نهم

چشم‌انداز یک مرگ

۲۹۳

فصل دهم

صدف و عینک

۳۱۹

فصل یازدهم

دژ سنگی

۳۴۵

فصل دوازدهم

فریاد شکارچیان

فصلنامه

۲	۱
۷۱	۲
۵۹	۳
۵۴	۴
۵۱۱	۵
۴۶۱	۶
۱۸۲	۷



اقتباس مستقیمی از جزیره مرجان<sup>۱</sup> نوشته آرام بالنتاین<sup>۲</sup> (۱۸۵۷) است اتفاق نظر دارند.

با این همه، تنوع آراء و عقاید ابراز شده در مورد سالار مگس‌ها با هیچکدام از کتاب‌های یاد شده قابل مقایسه نیست و می‌توان آن را در زمره جنجال برانگیزترین آثار ادبی قرن اخیر به حساب آورد. آخرین این جنجال‌ها، با اختصاص جایزه نوبل ادبیات ۱۹۸۳ به گولدینگ، اظهار نظر آرتور لوندکویست<sup>۳</sup> (یکی از هیجده عضو آکادمی نوبل) بود که این انتخاب را، کودتائی در تاریخ نوبل تلقی کرد.<sup>۴</sup>

تنوع و تناقض نقدهائی که درباره سالار مگس‌ها نوشته شده، بخصوص از آن جهت اهمیت دارد که اصحاب جهان‌بینی‌های گوناگون، هر کدام این قصه را از دیدگاه باورهای خود نقد کرده‌اند و جای پائی از ارزشهای خویش را در آن یافته‌اند.

منتقدین مارکسیست، اگر چه گولدینگ را در جرگه نویسندگان سوسیال رئالیست<sup>۵</sup> به حساب نمی‌آورند، به او نظر عنایتی دارند و سالار مگس‌ها را حمله‌ای به نظام سرمایه‌داری دانسته‌اند. به گمان آنان، آنچه در جمع کوچک بچه‌های جزیره اتفاق می‌افتد، سرنوشت همه جوامعی است که نظام حکومتی آنان سرمایه‌داری است و نهایتاً به علت برخورد منافع طبقاتی، بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی و... فرو می‌پاشند. نقد سالار مگس‌ها از این دیدگاه حداقل تا حدودی تنگ‌نظرانه است چون:

- در عین حال که نابهنجاری‌های موجود در جمع بچه‌ها انگیزه‌های مشخص بیرونی دارد - که عمده‌ترین آنان گرسنگی است - نمی‌توان توجه خاص گولدینگ را به محرک‌های درونی

1. The Coral Island
2. R. M. Ballantyne
3. Artur Lundkvist
4. Time, Oct. 17, 1983
5. Socialist Realism

نادیده گرفت. گرایش فطری آدمی به کژی و شر - بنا به اعتقاد نویسندگان - خمیرمایه اصلی قصه است و هر جا که به انگیزه‌های بیرونی اشارتی دیده می‌شود، بواقع در اثبات این مدعاست و نه بیشتر. به عبارت ساده‌تر گرسنگی در سالار مگس‌ها دلیل خونخوارگی نیست؛ دست کم تنها دلیل آن نمی‌تواند باشد.

- دیدگاه مارکسیستی در نقد آثار ادبی با محدود کردن اثر به زمان و مکان و موقعیت خاص، از ارزش کار ادبی می‌کاهد و آن را با یک اعلامیه یا سخنرانی سیاسی هم تراز جلوه می‌دهد. بدون آنکه قصد ورود در بحث تعهد هنر وجود داشته باشد، باید گفت اثر هنری تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوال زمانه خود، آفریده می‌شود و حرف و پیامی را نیز متناسب با آن تأثیر در خود نهفته خواهد داشت؛ اما اگر هنرمند بخواهد به قصد بیان پیامی اثری خلق کند، آیا می‌توان باز هم او را هنرمند دانست؟

- نقد سالار مگس‌ها از این دیدگاه و ادعای آن که گولدینگ به دنبال هدف سیاسی مشخصی سالار مگس‌ها را نوشته است، محتاج دست یافتن به دلایل و شواهدی در دیدگاه‌های ابراز شده نویسنده و زندگی اوست. چنین مدارکی به یقین وجود ندارند.

- انتخاب جزیره‌ای بی‌نام و نشان و خالی از سکنه؛ بدون مشخص کردن تاریخ رخدادها نشان می‌دهد که مخاطب سالار مگس‌ها، مخاطب خاصی نیست و نیش قلم به جامعه و نظام مشخصی حمله نمی‌برد. به عبارت دیگر، کتاب را با قلمرو سیاست خاصی کاری نیست. اگر بتوان کوچکترین هدف‌مندی سیاسی برای سالار مگس‌ها قایل شد، آنست که کتاب، جهتی ضد آرمانشهری<sup>۱</sup> دارد و شاید به همین دلیل است که بعضی منتقدین، گولدینگ و اورول<sup>۲</sup> را در این زمینه، کنار یکدیگر قرار می‌دهند. قبول این نظر

1. Anti-Utopia
2. George Orwell